

## بررسی آرای امام خمینی(ره) در باب نظارت

بهرام اخوان کاظمی\*

### چکیده:

در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره) نظارت همگانی به طور کامل با فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر مرتبط است و ایشان نیز با استناد به منابع اسلامی، نظارت همگانی فریضه مزبور را به عنوان مسئولیت همگانی عموم مردم به شمار می‌آوردند و بر آن تأکید می‌ورزیدند. از دلایل توجه ویژه امام خمینی(ره) به موضوع نظارت همگانی می‌توان به ارتباط کامل موضوع نظارت با فریضه بنیادین امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. دلیل مهم دیگر، اهمیتی بود که ایشان برای نقش و مشارکت مردم در کلیه امور و از جمله مشارکت در اداره کشور و لزوم مساهمت و نظارت ملت بر این امر مهم قائل بودند و حتی خود و بالاترین مقام حکومت اسلامی را از این نظارت مستثنی نمی‌شمردند و خواهان نظارت مردم بر خویش و کلیه کارگزاران نظام بودند و از همان ابتدای انقلاب، بر ضرورت ایجاد سازمان مستقل و فرادولتی امر به معروف و نهی از منکر در سر اسر کشور پای می‌فشردند. برآیند اندیشه امام خمینی(ره) در این زمینه، ناظر بر آن است که تحقق امر به معروف و نهی از منکر و گسترش مسئولیت‌پذیری و دایره نظارت عمومی، دارای نقشی اساسی در تحقق شریعت و پیشبرد جامعه اسلامی و افزایش کارایی الگوی دین‌سالاری مردمی خواهد داشت. با ملحوظ داشتن ارتباط کامل نظارت و مسئولیت همگانی، با فریضه امر به معروف و نهی از منکر، می‌توان با ابتنا به آموزه‌های اسلامی و اندیشه امام خمینی(ره)، فرایند اصلاح اجتماعی و سیاسی جامعه و نظام اسلامی را بهینه‌سازی، استحکام و سرعت بخشید و آسیب‌ها و موانع محتمل در این مسیر را رفع کرد و الگویی مردم‌سالارانه و موفق از نظام اجتماعی و نظام سیاسی را با بالاترین حد مشارکت مدنی و سیاسی عرضه نمود.

واژگان کلیدی: امام خمینی(ره)، نظارت، امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت همگانی، نظام اسلامی، اصلاح، قیام حسینی، دایره فرادولتی.

\*. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز. Kazemi@shirazu.ac.ir

## مقدمه

«نظارت»<sup>۱</sup> از ماده «نظر» است و مرحوم دهخدا ذیل واژه مذکور، آن را به نگرستن در چیزی با تأمل، چشم انداختن، حکومت کردن بین مردم و فیصله دادن دعاوی ایشان، یاری دادن و مدد کردن و کمک کردن و نیز به معنای چشم، بصر، دیده، فکر، اندیشه، تفکر، رویه، دقت، تأمل، تدبیر، خیال، وهم، و اعتراض آورده است. (دهخدا، ۱۳۳۹: ۴۰، ۲۳۳۳) او «ناظر» را به معنای نظرکننده، نگرنده، نگاه‌کننده، بیننده، شاهد و کنایه از جاسوسی، دیده‌بان و نگاهبان مطرح نموده و در نهایت «نظارت» را به معنای نظر کردن و نگرستن به چیزی، مراقبت و در تحت نظر و دیده‌بانی داشتن کاری، نگرانی دیده‌بانی به سوی چیزی و مباشرت معنا کرده است.

اما در تعریف مصطلح، به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده شود تا از این طریق، نسبت به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به دست آید. افزون بر این، نظارت یکی از ارکان مهم علم مدیریت و تحقق بهینه هر نظام مدیریتی نیز به حساب می‌آید. از منظر علم مدیریت، نظارت به معنای مراقبت، زیر نظر داشتن و دیده‌بانی بر کاراست. کنترل و نظارت به عنوان یکی از وظایف مدیر، از ارکان اصلی و عناصر حیاتی مدیریت سالم و کارآمد می‌باشد. مدیران با انجام وظیفه و برنامه‌ریزی، اهداف سازمان و راه‌های دستیابی به آنها را مشخص می‌کنند. آگاهی از اجرای دقیق برنامه‌ها و اطمینان به حرکت سازمان در راستای دستیابی به هدف‌های اصلی آن، در صورتی امکان‌پذیر خواهد بود که نظامی دقیق و جامع برای نظارت و کنترل وجود داشته باشد. هر سازمانی دارای منابع و امکاناتی است که برای رسیدن به اهداف سازمان، باید از آنها به صورت مطلوب و بهینه بهره‌برداری کند و این امر جز در سایه «وجود نظارت و کنترل» امکان‌پذیر نیست. (خدمتی، ۱۳۷۹: ۲۳، ۱۰۵)

۱. معادل واژه نظارت در زبان انگلیسی، از جمله واژه‌های زیر پیشنهاد شده‌اند:

Supervision, stewardship, control, overseeing, monitoring.

در این نوشتار، با توجه به اهمیت موضوع نظارت در اندیشه‌ها و کارکردهای نظام‌های سیاسی، برآنیم تا ضمن پرسش از جایگاه عالیه نظارت در آرای امام خمینی (ره)، این فرضیه اثبات گردد که «در سیره نظری و عملی امام خمینی (ره)، نظارت عمومی و مسئولیت همگانی از تکالیف دینی و وظایف عامه مردم و حقوق عمومی آنها به شمار می‌رود و این مسئولیت، ارتباط و تعامل تنگاتنگی با فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد و از ظرفیت‌های بزرگ و گسترده نظام اسلامی در حوزه‌های فردی و اجتماعی است».

از دلایل توجه ویژه امام خمینی (ره) به موضوع نظارت همگانی می‌توان به ارتباط کامل موضوع نظارت با فریضه بنیادین امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. دلیل مهم دیگر، اهمیتی بود که ایشان برای نقش و مشارکت مردم در کلیه امور و از جمله مشارکت در اداره کشور و لزوم مساهمت و نظارت ملت بر این امر مهم قائل بود. به همین دلیل، در این مقاله با سازماندهی پنج گفتار تحلیلی، مستنداتی از سیره نظری و عملی امام ذکر خواهد شد که مؤید آن است که می‌توان با اتکای به این دو راهکار قرآنی و آموزه‌های استنباطی مربوط به آن و اندیشه امام خمینی (ره) الگویی موفق از نظام اجتماعی و نظام سیاسی را با عالی‌ترین سطوح مشارکت مدنی و سیاسی عرضه نمود و با لحاظ نظارت فراگیر به مثابه مسئولیتی دینی، اجتماعی، این نظارت را محقق کرد و ارتقا و استحکام بخشید و امر نظارت در نظام اسلامی را نهادینه‌تر کرد و اصلاح و بازسازی نمود.

#### ۱. جایگاه نظارت در الگوی رهبری و مدیریت امام خمینی (ره)

جایگاه ممتاز نظارت در الگوی رهبری و مدیریت امام خمینی (ره) ارتباط کاملی با اعتقاد ایشان به وظیفه نظارت و ارشاد روحانیت و ولی فقیه در قبال مردم و جامعه اسلامی دارد و ایشان حتی حکومت تحت زعامت ولی فقیه و ضرورت حضور روحانیون را در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... را از این زاویه می‌نگریستند:

اینکه می‌گویند حکومت باید به دست فقیه باشد نه آن است که فقیه باید شاه و وزیر و سرلشگر و سپاهی و سپور باشد، بلکه فقیه باید نظارت در قوه تقنینیه و قوه مجریه مملکت اسلامی داشته باشد. (امام خمینی، ۱۳۲۲: ۲۳۲)

ما چنانچه فرض کنید اشخاصی که به آنها رأی می‌دهیم، یا مردم اشخاصی را که رأی می‌دهند در میان آنها روحانی زیاد است، برای این نگرانی است که چنانچه روحانیون نباشند شما را باز به غرب می‌کشند. قانون شما را غربی می‌کنند. همان مسائل سابق را برای شما پیش می‌آورند، از این جهت اینها باید نظارت کنند. اگر اینها نباشند و نظر نکنند باز مسائل سابق عود می‌کند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۹، ۲۲۵)

بر همین مبنا الگوی نظارت و کنترل امام(ره) بر اساس سیره عملی نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و علوی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، با خودکنترلی یا نظارت درونی به عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می‌شود که بر مبنای آن، هر کسی با لحاظ نظارت و حضور دائم الهی، نظارتی درونی را بر خود اعمال می‌نماید که نتیجه این محاسبه الهی چیزی جز ورع و تقوا نیست و متأثر از کسب این ملکه اخلاقی و با تحقق این عامل، فرایند خودکنترلی شکل می‌گیرد؛ لیکن ایشان در راستای استحکام بیشتر نظارت درونی و خدشه‌ناپذیری فرآیند کنترل و نظارت، در کنار عامل خودکنترلی، نظارت همگانی همراه با ارشاد را نیز لازم می‌شمارد و در عرصه نظارت بیرونی، مصادیق و سازوکارهای زیر را توصیه می‌نمودند:

#### ۱-۱. نظارت عمومی

کنترل و نظارت همگانی، که در قرآن و روایات از آن به «امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می‌شود و از ضروریات و احکام بدیهی اسلام است، مورد اهتمام جدی امام خمینی(ره) قرار داشت و آن را وظیفه همگانی می‌دانست. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۳، ۴۶۷) از این رو می‌فرمود: «این کشور باید همه افرادش امر به معروف و ناهی از منکر باشد». (همان، ۱۳۸۶، ۴۶۹) و تأکید می‌کردند که «شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است امر به معروف کنیم. نگذارید که بعضی افرادی که نفوذ کرده‌اند در همه ارگان‌ها، اینها خلافی بکنند. خلاف شرعی بکنند، خلاف عرفی بکنند و آنها را امر به معروف کنید و از منکرات نهی کنید. (همان، ۴۷۰) ایشان یکی از ویژگی‌های اصلی ملت انقلابی ایران را خروج از بی‌تفاوتی

دانسته و می‌فرماید: «ملت ما هم امروز مثل سابقش نیست که بی‌تفاوت باشد در امور. ملت ما هم مواظب است و مراقب است و همه امور را مشاهده می‌کند.» (همان، ۳۹۸)

#### ۱-۲. نظارت بی‌واسطه

امام خمینی (ره) در مسائل مهم و حیاتی، نظارت مستقیم می‌کردند و علاوه بر آن، جزئیات مسائل مملکت را به دقت زیر نظر داشتند. ایشان اخبار و اطلاعات را از رسانه‌های گروهی داخلی و خارجی دنبال می‌کردند که برخی از مصادیق و صور آن بدین شرح است: شنیدن اخبار رادیو و تلویزیون در تمام ساعات، حمل رادیو با خود در تمام مواقع از جمله هنگام حمام، وضو گرفتن، قدم‌زدن، اعتراض به آهنگ پخش شده در رادیو پس از اذان صبح، اعتراض به حذف شعار مرگ بر شوروی در مراسم حج، پس از آگاهی از طریق رسانه‌های گروهی، شنیدن سخنرانی مسؤولین، مطالعه دقیق روزنامه و بولتن‌های متعدد و مطالعه نشریات مخالف و معاند، شنیدن اخبار و اطلاعات از تمام افراد به طور جداگانه، مطالعه ترجمه بخش‌های غیرفارسی رادیوهای بیگانه، (رضایی‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵) گوش کردن مذاکرات مجلس (رجایی، ۱۳۷۸ الف: ۲۷۹) و... همچنین از دیگر جلوه‌های نظارت مستقیم امام (ره)، تشکیل جلسات سران قوا در حضور امام خمینی (ره) بود که بارها صورت گرفت.

#### ۱-۳. نظارت باواسطه

این شیوه نظارت، برای سازمان‌های بزرگ و نظام‌های سیاسی متداول، رایج و کارکنان می‌باشد. امام (ره) نیز به این اصل توجه داشته و تصریح می‌کردند من که نمی‌توانم در همه امور دخالت کنم بالأخره من اشخاص دارم، باید اشخاص دخالت کنند. (رجایی، ۱۳۷۸ ب: ۲۱۱) ایشان به طریق زیر بر امور نظارت غیرمستقیم داشتند:

#### ۱-۴. نظارت از طریق روحانیون و نمایندگان منصوب

امام خمینی (ره) بر نظارت شخصیت‌های علمی، فرهنگی، دینی و مذهبی به خصوص ائمه جمعه و روحانیون بلاد در امور استان‌ها و همچنین در دانشگاه‌ها و مراکز دیگر تأکید

می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۹، ۳۱۶؛ ۲۰، ۱۴۳) و نظارت علما بر زمامداران را لازم می‌دانستند. (همان، ۸، ۴۳۶) ایشان همچنین بر نظارت روحانیون در برنامه‌ریزی، جهت تسریع امور، تأکید می‌کردند. (همان، ۱۷، ۱۲۱) حضور نمایندگان ولی فقیه در استان‌ها و انتصاب آنها از سوی امام، یکی از ساز و کارهای تحقق نظارت بهتر امام (ره) بر صحت انجام امور در استان‌ها بود. همچنین امام (ره) با انتصاب نمایندگان در نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی نظامی و... استان‌های کشور، وظیفه نظارت و ارشاد را به عنوان مهم‌ترین مسؤلیت و مأموریت به آنها ابلاغ می‌نمودند.

#### ۵-۱. نظارت غیر آشکار

بارها نقل شده است که امام (ره)، افرادی را به صورت ناشناس به مراکز عملیاتی از جمله جبهه‌ها اعزام می‌کردند تا گزارش وضعیت مناطق مختلف را به ایشان بدهند. (آقابابایی، ۱۳۸۵: ۲۹۹)

#### ۶-۱. نظارت سازمانی

امام (ره) بر نظارت ارگان‌ها و نهادهای مختلف کشور در امور مربوطه تأکید می‌کردند؛ از جمله به موارد زیر می‌توان اشاره کرد: نظارت مجلس بر همه امور؛ (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۸، ۴۶۶) تأکید بر نظارت در دولت؛ (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۹، ۴۰۹) و نظارت قوه قضائیه و مخصوصاً سازمان بازرسی و تعقیب قانونی متخلفین. (همان، ۱۵، ۳۹۲) البته مسؤولین نهادهای مزبور موظف بودند که گزارش امور را به امام (ره) منعکس نمایند. امام (ره) علاوه بر اشراف و نظارت بر قوا و نهادهای مختلف، بر اساس اصل ۹۱ قانون اساسی با انتخاب شش نفر فقیه در شورای نگهبان، بر مصوبات مجلس و طبق موازین اسلامی و قانون اساسی، نیز نظارت می‌نمودند. ضمن آنکه تأکید ویژه بر نظارت شورای نگهبان مجلس شورای اسلامی داشتند؛ به عنوان نمونه به اعضای شورای نگهبان می‌فرمودند: «باید ناظر بر قوانین مجلس باشید، و باید بدانید که به هیچ وجه ملاحظه نکنید. بحمدالله مجلس ما مجلسی است اسلامی و قوانین خلاف اسلام تصویب نخواهد شد؛ ولی شما وظیفه دارید ناظر باشید». (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۳، ۵۳)

ضمن اینکه بر انتقاد سالم و راهنمایی دولت در همه کارهای توسط مجلس را از امور لازم و حق نمایندگان ملت به شمار می‌آوردند. (همان، ۳۹۸)

#### ۱-۷. نظارت ارشادی

هدف نظارت، اصلاح و جلوگیری از انحراف است؛ بنابراین بارها به ناظران تأکید می‌کردند نظارت بایستی همراه با هدایت و ارشاد باشد. (همان، ۱۷، ۴۱ و ۱۰۷) و این یکی از وجوه تمایز نظارت اسلامی با نظارت غیر اسلامی است. ایشان همواره بر نقش هدایتگر و ارشادگونه خویش تأکید می‌کردند (رجایی، ۱۳۷۸: ۲۰۹) و بارها مسؤولان، دست‌اندرکاران و ملت را هدایت و ارشاد می‌نمودند و تکرار وعظ و ارشاد را مؤثر می‌دانستند. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۴، ۳۹۵) گفتار و کردار امام (ره) بعد از پیروزی انقلاب تا زمان رحلت معظم له، گواه صدق بر این مدعاست.

#### ۱-۸. نظارت تنبیهی

بنای امام (ره) بر اصلاح و ارشاد خطاکاران بود؛ ولی از آنجا که این شیوه، برای همگان جوابگو نبود، ابتدا امام (ره) به متخلفین اخطار می‌دادند، سپس تهدید و یا اعتراض می‌نمودند و در مرحله بعد، تنبیه و تعقیب قانونی و در صورت لزوم، عزل را در دستوراتشان لحاظ می‌نمودند. به همین دلیل، در سیره نظری و عملی امام (ره)، تأکید بر ضرورت تنبیه متخلفین از قانون (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۵۷ و ۱۷، ۱۹۵) بارها صورت گرفت.

#### ۱-۹. نظارت تشویقی

سیاست تشویق، مقدم بر سیاست تنبیهی امام (ره) بود. ایشان همواره بر ضرورت تشویق و تقدیر از کسانی که وظایفشان را به نحو احسن انجام می‌دهند، تأکید داشتند و خود نیز بارها زبان به تشویق و تقدیر از دولت، ملت و خانواده‌های شهدا و رزمندگان، ایثارگران و... گشودند.

تشکر امام(ره) از مردم یزد به خاطر کمک به سیل‌زدگان. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۲۰، ۱۷۲) تشکر از ایثار و فداکاری‌های پرسنل یگان‌های پدافند هوایی، (همان، ۳۵) تقدیر همیشگی از رزمندگان بعد از پیروزی‌های افتخارآفرین بیت‌المقدس، فتح‌المبین و...، ضرورت پرداختن مطبوعات به تشویق افراد موفق و وظیفه‌شناس، (همان، ۱۹، ۳۶۱) تقدیر از مجاهدت، ایثار فداکاری و تلاش جوانان و رزمندگان در عرصه‌های مختلف، ضرورت تشویق افسران در حکم وزیر کشور، (همان، ۱۹، ۴۲۰) از جمله نمونه‌های تشویق‌های امام خمینی(ره) بود.

## ۲. تأکید بر نظارت؛ مسئولیتی همگانی

گفته شد که در سیره نظری و عملی امام خمینی(ره) نظارت همگانی به طور کامل با فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر مرتبط است و ایشان نیز با استناد به منابع اسلامی، نظارت همگانی و فریضه مزبور را به عنوان مسئولیت همگانی عموم مردم، اعم از مرد و زن، می‌شمردند و به شدت بر آن تأکید می‌ورزیدند و با استناد به شواهد تاریخی صدر اسلام، حتی خود و بالاترین مقام حکومت اسلامی را از این نظارت مستثنی نمی‌شمردند و خواهان نظارت مردم بر خویش و حکمرانان جامعه اسلامی بودند:

باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهار نظر بکنند... (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۳، ۱۹۳)

همه و همه ملت موظفند که نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، ... همه ملت موظفند به اینکه نظارت داشته باشند ... اعتراض کنند تا این کج را راست کنند. اگر دیدند یک معمم بر خلاف موازین اسلام، خدای نخواست، می‌خواهد عمل بکند، همه موظفند که جلوی او را بگیرند، همه باید مراعات این مسائل را بکنند. توجه داشته باشند که مبادا من یکوقت یک کلمه بر خلاف مقررات اسلام بگویم ... و اگر خدای نخواست، یک کسی پیدا شد که یک کار خلاف کرد، اعتراض کنند مردم؛ مردم همه به او اعتراض کنند که آقا چرا این کار را می‌کنی. در صدر اسلام هست که



عمر وقتی که گفت - در منبر بود - که اگر من یک کاری کردم شماها چه بکنید. یک عربی شمشیرش را کشید گفت ما با این، با این شمشیر راستش می‌کنیم. باید اینطور باشد. باید مسلمان اینطور باشد که اگر - هر که می‌خواهد باشد، خلیفه مسلمین و عرض بکنم هر که می‌خواهد باشد - اگر دید پایش را کنار گذاشت، شمشیرش را بکشد که پایت را راست بگذارد ... (همان، ۸، ۵ - ۶)

الآن مکلفیم ما، مسئولیم همه‌مان، همه‌مان مسئولیم، نه مسئول برای کار خودمان؛ مسئول کارهای دیگران هم هستیم «کُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»<sup>۱</sup> (مجلسی، ۱۳۹۷ق: ۷۲، ۳۸) همه باید نسبت به همه رعایت بکنند. همه باید نسبت به دیگران. مسئولیت من هم گردن شماست؛ شما هم گردن من است. اگر من پایم را کج گذاشتم، شما مسئولید اگر نگویید چرا پایت را کج گذاشتی؟ ... امت باید نهی از منکر بکند؛ امر به معروف بکند. (همان، ۴۸۷-۴۸۸)

امام خمینی (ره) با ضروری شمردن نظارت همگانی مردم بر کلیه امور و از جمله عملکرد دولتمردان و نظام سیاسی، بر اطلاع‌رسانی و پیگیری نتایج نظارت‌های دقیق مردمی حتی در حوزه نهادها و سازمان‌ها و دیوانسالاری دولتی پای فشرده و عواقب فقدان نظارت همگانی را موجب تباهی و نابودی نظام مزبور می‌داند:

شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاه‌های اجرایی است امر به معروف کنیم. (همان، ۱۳، ۴۷۰) ... همه اجزای مملکت باید نظارت در امور بکنند که نتوانند شیاطین باز رخنه بکنند. در [ادارات] دولتی اشخاصی که رفت و آمد می‌کنند، اینها باید نظارت در کارهای آنها بکنند، یعنی مثل سمت بازرسی و تفتیش و اینطور چیزها که اگر خطایی اینها می‌کنند، تعمدی می‌کنند - عرض می‌کنم که - خیانتی می‌کنند، به دستگاه قضایی اطلاع بدهند تا اینکه آنها تعقیب بکنند... (همان، ۵، ۵۲۵) ما اگر نظارت نکنیم؛ یعنی ملت اگر نظارت نکنند در امور دولت و مجلس و همه چیز، اگر کنار بروند، بسپارند دست اینها و بروند مشغول کارهایشان بشوند، ممکن است یک وقت به تباهی بکشد. ما باید ناظر باشیم به امور مردم. ما باید، ملت باید ناظر باشد به اموری که در دولت می‌گذرد. (همان، ۱۵، ۱۷)

۱. «هر یک از شما سرپرست هستید و هر یک از شما بر رعیت خود مسئولید».

### ۳. سپردن امور به مردم و اکتفا به نظارت دولت

در سیره نظری و عملی امام خمینی(ره) مردم و به‌ویژه پابرهنگان و طبقات محروم و متوسط که بار انقلاب بر دوش آنها بوده است، دارای نقش محوری و فعال هستند و قوام دولت متکی به آنهاست. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۹، ۳۴) به همین دلیل، ایشان به‌شدت با مشارکت انفعالی و پیروی کورکورانه ملت مخالف است. امام(ره) در دورهٔ حیات سیاسی خود و به‌ویژه در دورهٔ ده‌ساله رهبری پس از انقلاب اسلامی، همواره به دنبال تفویض بیش از پیش امور مختلف به مردم و مشارکت‌بخشی افزون‌تر به آنان بودند و همواره بر این توصیهٔ مهم پای می‌فشردند که دولت به‌جای دخالت مستقیم در همهٔ امور و تصدی‌گری همیشگی، نقش نظارت را بر عهده گرفته و مانع حضور مردم در عرصه‌های مختلف نگردد؛ زیرا ایشان بر این باور بودند که:

بدون پشتیبانی مردم نمی‌شود کارکرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله اکبر بگویند... پشتیبانی این است که همکاری کنند. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۴، ۲۳۹) باید همهٔ زن‌ها و همهٔ مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند. اظهار نظر بکنند. ملت باید الان همه‌شان ناظر امور باشند. اظهار نظر بکنند. در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت... (همان، ۱۳، ۷۰) آگاهی مردم و مشارکت و نظارت و همگامی آن‌ها با حکومت منتخب خودشان، خود بزرگ‌ترین ضمانت حفظ امنیت در جامعه می‌باشد... (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۲: ۱۲۱) مملکت را باید خود ملت اداره کند (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۶، ۲۳۹)... اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می‌کنیم. (همان، ۶، ۲۶۰)

از منظر امام خمینی(ره)، هم مردم باید بر دولت نظارت نمایند و هم دولت می‌باید در چارچوب شرع و مصالح نظام اسلامی بر فعالیت‌های مردم نظارت کند. ایشان بر این باورند که دولت فقط باید در اموری تصدی‌گری نماید که انجام آن برای مردم ناممکن است؛ اما در سایر امور تجاری، کشاورزی و صنعتی مردم باید توسط دولت آزاد گذارده شوند که تحت نظارت قانونی و شرعی نظام سیاسی به فعالیت‌های مولد

بپردازند و انجام امور با نظارت ضابطه‌مند دولت به آنها واگذار شود؛ زیرا تنها در صورت انجام امور، آنها با مشارکت مردم با دولت، موفقیت تحصیل خواهد شد:

... آزادی مردم نباید سلب بشود، دولت باید نظارت بکند؛ مثلاً در کالاهایی که می‌خواهند از خارج بیاورند مردم را آزاد بگذارند، آن قدری را که می‌توانند؛ هم خود دولت بیاورد، هم مردم. لکن دولت نظارت کند در اینکه یک کالاهایی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است، آنها را نیاورند. این نظارت است.

... اما راجع به تجارت، راجع به صنعت، راجع به اینها اگر مردم را شریک خودتان نکنید، موفق نخواهید شد. یعنی نمی‌شود یک جمعیت کثیری را بدون شرکت خود جمعیت، بدون شرکت، مثل این است که ما بخواهیم کشاورزی را ما، خود دولت بکند، خوب! دولت که نمی‌تواند کشاورزی بکند. کشاورزی را دولت باید تأیید بکند تا کشاورزها کشاورزی کنند. تجارت هم همین جور است. صنعت هم همین جور است.

صنایعی که مردم ازشان نمی‌آید، البته باید دولت بکند. کارهایی را که مردم نمی‌توانند انجام بدهند، دولت باید انجام بدهد. کارهایی که هم دولت می‌تواند انجام بدهد و هم مردم می‌توانند انجام بدهند، مردم را آزاد بگذارید که آنها بکنند، خودتان هم بکنید، جلوی مردم را نگیرید. فقط یک نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا بشود... این یک مسئله‌ای است که بسیار مهم است در نظر من. من کراً هم گفتم... (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۹، ۳۵)

امام خمینی (ره) همین دیدگاه را در لزوم مشارکت مردم در بازسازی کشور و ترمیم خرابی‌های جنگ با نظارت دولت یادآور شده و توفیق بازسازی را منوط به این همیاری دانسته‌اند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۲۱، ۱۱۶)

#### ع. ضرورت انتقاد سالم، سازنده و ناصحانه

انتقاد و نقد از ابزارهای ضروری انجام فرایند نظارت و از مؤلفه‌های نظام‌های مردم‌سالار است و می‌توان آن را از ساز و کارهای انجام فریضة امر به معروف و نهی از منکر به شمار آورد. در منظومه فکری امام (ره) هم انتقادگری و انتقادپذیری جایگاه بایسته‌ایی را داراست. ایشان حتی معتقد بودند که «تحمل انتقاد را، چه حق و چه ناحق،

داشته باشیم». (همان، ۲۰) و با تأکید بر انجام انتقاد سالم، آن را در پیشرفت مسائل مؤثر می‌دانستند. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۱۹، ۳۹۸)

انتقاد صحیح و بجا، استفاده از زبان موعظه و نصیحت، پرهیز از انتقامجویی و غرض‌ورزی، توطئه‌گری، پرده‌داری، مخاصمه و تفرقه، رعایت حیثیت نظام اسلامی و عدم تضعیف آن در انتقادات از سفارشات مؤکد معمار جمهوری اسلامی به کلیه آحاد مردم، مسئولین و رسانه‌هاست:

تا انتقاد نشود، اصلاح نمی‌شود، اصلاح نمی‌شود یک جامعه. عیب هم در همه جا هست؛ سر تا پای انسان عیب است و باید این عیب‌ها را گفت و انتقادات را کرد؛ برای اینکه اصلاح بشود جامعه. (همان، ۱۴، ۴۰۱) به همه آقایان من می‌گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه‌ها را پر نکنید دوباره از بدگویی از هم و از انتقاد از هم. انتقاد غیرانتقام‌جویی است. انتقاد صحیح باید بشود. هرکس از هرکس می‌تواند انتقاد صحیح بکند. اما اگر قلم که دستش گرفت انتقاد کند برای انتقام‌جویی، این همان قلم شیطان است. (همان، ۱۳، ۲۰۵) اما انتقاد، غیر غرض‌ورزی است. ... اگر انتقاد دارند به‌طور ملایم و به‌طور دلسوزانه مسائل را طرح بکنند، نه به‌طور ضربه‌زدن. بخواهند ضربه بزنند به جمهوری اسلامی. (همان، ۴۸۱) انتقاد بکنید توطئه نکنید. من با توطئه مخالفم، همه هم مخالف‌اند. (همان، ۱۷، ۴۶۳) انتقاد غیر توطئه است. لحن توطئه با لحن انتقاد فرق دارد. انتقاد از اموری است که سازنده است. (همان، ۴۶۱) ... همه نویسندگان مکلف‌اند به حفظ نظام... ما لسانمان باید لسان نصیحت باشد و انسان می‌بیند که گاهی وقت‌ها لسان‌ها لسان نصیحت نیست. (همان، ۲۰، ۱۲۷) ... انتقاد این قدر نکنید بدون جهت، بهانه‌گیری نکنید بدون جهت که این به نفع دشمنان ماست. هر روز نگویید انقلاب شد و هیچ نشد. این خیانت به ملت است. (همان، ۱۰، ۴۷۳)

##### ۵. احیای امر به معروف و نهی از منکر در سیره امام خمینی (ره)

به‌حق باید امام (ره) را احیاگر این دو واجب الهی در سده معاصر دانست که در عمل و قول به احیای آن همت گماشتند. دستنویس سال ۱۳۶۳ ق. در این باره و کتاب کشف‌الاسرار ایشان در سال ۱۳۲۳ ش. نمونه‌های بارزی از عمل ایشان به این واجب

الهی در سال‌های دور محسوب می‌شود؛ و حرکت عظیم انقلاب اسلامی نیز مصداق روشنی از اقدام ایشان به این فریضة الهی می‌باشد.

امام با نگرش وسیعی که به این موضوع داشته‌اند و آن را فراتر از چند پند و تذکر خصوصی و در موارد محدود و جزئی می‌دانسته‌اند. ایشان در آثار فقهی خود و در تمامی دستورات و فرامین انقلاب، و سپس در جمهوری اسلامی به احکام و لوازم امر و نهی ملتزم، و موارد ضروری را به مردم و سردمداران گوشزد می‌کرده‌اند. بنابراین، علاوه بر آنچه از ایشان به عنوان خاص در این موضوع نگاشته شده است، می‌توان دیدگاه‌ها و نظرهای ایشان را از سخنان و پیام‌ها و سیره عملی ایشان استخراج کرد.

مباحث امر به معروف و ملحقات آن و فتاوی ایشان را در آثار فقهی می‌توان از رساله فی التقیه، المکاسب‌المحرمة در بحث حکم المبیع اذا بیع ممن یصرفه فی الحرام و تحریرالوسیله و استفتائات به دست آورد. اما بی‌شک مهم‌ترین اثر ایشان در امر به معروف و نهی از منکر، کتاب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر تحریرالوسیله است که در سال ۱۳۸۴ هـ. ق. به نگارش در آمده است. امام در نگارش تحریرالوسیله که بازنویسی کتاب وسیلة النجاة سید ابوالحسن اصفهانی (ره)، متوفی ۱۳۶۵ هـ. ق. می‌باشد، کتاب امر به معروف و نهی از منکر را بر آن افزوده‌اند و در متن سید (ره) مانند دیگر رساله‌های عملیه اخیر، این بحث وجود ندارد و در تعلیقات دیگران بر وسیله مانند تعلیقه آیت الله سید محمد رضا گلپایگانی (ره) نیز اثری دیده نمی‌شود.

امام در این اثر، همان نظم و ترتیب رایج در کتاب‌های فقهی مانند شرایع الاحکام را برگزیده‌اند؛ ولی افزایش‌های فراوانی در فروع دارند که تا زمان تألیف این اثر بی‌سابقه است. امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله، این دو فریضه را از بالاترین و شریف‌ترین فریضه‌های الهی می‌داند که فرایض دیگر نیز به واسطه آنها اقامه می‌شود. (امام خمینی (ره)، بی تا الف: ۴۶۸)

نهضت امام خمینی (ره) و سرنگون نمودن نظام پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان به طور کلی در قالب عمل به تکلیف امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد. امر تأسیس حکومت توسط ولی فقیه از مصادیق نهی از منکر است؛ زیرا

غضب حکومت الهی توسط غیر فقیه، نوعی فعل منکر است؛ چنانچه امام خمینی (ره) در کتاب **البیع** می‌نویسد:

ادله شرعی مربوط به ولایت فقیه موجب خروج « امر حکومت» از مسأله امر به معروف می‌شود؛ زیرا اصولاً تصرف غیر ولی در امر مربوط به ولایت، از مصادیق «منکر» است نه «معروف». (امام خمینی (ره)، ۱۳۶۵: ۸۴)

بدین ترتیب، نظریه ولایت مطلقه فقیه و طرح حکومت اسلامی در حیطة امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

براساس آنچه امام خمینی (ره) در کتاب **تحریر الوسیله** می‌نویسد: « امر به معروف و نهی از منکر چند مرحله دارد: قلبی، زبانی و عملی که به ترتیب باید اجرا شود. چنانچه مخالفت قلبی سودی نبخشید، باید با زبان به نهی پرداخت و چنانچه با زبان نیز مؤثر نبود، عملاً شخص را از کار بد باید باز داشت.» (امام خمینی (ره)، بی‌تاب: ۴۷۳) بنابراین مطلب می‌توان استنتاج کرد که مقابله با حکومت غاصب و به‌دنبال آن، اقامه حکومت اسلامی، از حیث نظری و عملی به شکل تدریجی بوده و باید از چنین مراحل گذر نماید، به همین سان حیطة امر به معروف بسیار وسیع است و به گفته امام خمینی (ره) در برگیرنده قول و فعل و تهیه و تدارک شرایط لازم است و حیطة نهی از منکر نیز وسیع و اعم از قول و فعل و رفع احکام ظالمانه و دفع ظالم - ولو به کشتن او - است و صرف داشتن علم به معروف و نهی از منکر ادای واجب نمی‌کند، بلکه این علم و آگاهی، وجوب ادای امر به معروف و نهی از منکر را به همراه دارد.

امام خمینی (ره) در **تحریر الوسیله** در بحث امر به معروف و نهی از منکر، به وضوح به مسائل نهی از منکرات و بدعت‌های حکومت‌های ستمگر پرداخته، و ضمن تصریح به وجوب آن، نهی این موارد را برای علما و رؤسای مذاهب، مشروط به تأثیر فعلی داشتن ننموده است. به فرموده ایشان:

چنانچه سکوت علما و روسای مذاهب - اعلی الله کلماتهم - باعث می‌شود که گناهان در نظر مردم خوب و خوبی‌ها بد جلوه کند و یا موجب تقویت و تأیید ظالم و یا جرأت ستمکاران به ارتکاب محرّمات و بدعت‌ها گردد و یا باعث سوء ظن و هتک علم شود و خدای ناکرده به آنان نسبت همکاری با

ستمکاران داده شود، واجب است اظهار حق و انکار باطل، گرچه تأثیر فعلی نداشته باشد. (امام خمینی (ره)، بی تا الف: ۴۷۵-۴۷۴)

یکی دیگر از نقطه نظرات امام (ره) در موضوع امر به معروف و نهی از منکر این است که قدرت در مسأله تشکیل حکومت و برخورد با حکومت غاصب نامشروع، شرط واجب است نه شرط وجوب؛ یعنی مانند قدرت و استطاعت در مسأله حج نیست که اگر فرد قادر و مستطیع نباشد، حج و تکلیف از او ساقط گردد. بنابراین تحصیل قدرت، به اصطلاح فقهی، وظیفه انسان برای انجام فرضیه حج نمی‌باشد. اما در براندازی حکومت نامشروع توسط ولی فقیه، قدرت و تحصیل آن برای چنین اقدامی واجب است؛ یعنی از دید امام (ره)، فقیه نمی‌تواند بنشیند تا قدرت برایش فراهم بشود، بلکه خودش موظف است که مقدمات کسب امکانات ستیز با قدرت حاکم را فراهم کند. ایشان از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ش همواره بر این طریق حرکت کردند. تحصیل قدرت توسط امام (ره)، از راه بیدارسازی مردم و آماده‌سازی افکار و تربیت و جذب نیرو بوده است. بدین ترتیب با تلاش بی‌وقفه، به تدریج قدرت لازم برای سرنگونی نظام پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای نظریه ولایت مطلقه فقیه آماده گردید.

شاید بتوان مهم‌ترین دیدگاه‌های فقهی امام خمینی (ره)، در موضوع امر به معروف و نهی از منکر را چنین برشمرد:

- امر و نهی را به واجب عقلی و شرعی و عینی و کفایی تقسیم می‌نمایند، و اصل وجوب امر و نهی را عقلی می‌دانند و به کفایی بودن آن حکم می‌کنند.
- امر و نهی را مولوی<sup>۱</sup> می‌دانند، ولی به توصلی<sup>۲</sup> بودن قائل می‌شوند و قصد قربت را در آن شرط نمی‌دانند.

۱. امر مولوی در مقابل امر ارشادی است که امر ارشادی فقط به آنچه حکم عقل، نسبت به آن موجود است توجه می‌دهد؛ ولی در امر مولوی امرکننده از جانب خود، فرمان صادر می‌کند.

۲. منظور از توصلی، واجبی است که انجام و امتثال آن، موقوف به قصد قربت نیست. در مقابل تعبیدی که اگر قصد قربت رعایت نشود، فرمان خدا انجام نگرفته است؛ مثل نماز و روزه.

- از فرعی‌های مهمی که در اینجا مطرح می‌کنند؛ لزوم اجتماع افراد برای برپایی معروف و یا از بین بردن منکر است.
- علم را از شرایط و جوب نه واجب می‌شمرند؛ ولی یادگیری احکام و شرایط امر و نهی را واجب می‌دانند.
- ایشان با اینکه شرط تأثیر را می‌پذیرند، ولی علم به عدم تأثیر را ساقط تکلیف می‌دانند؛ و حتی ظنّ به عدم تأثیر را موجب سقوط تکلیف نمی‌شناسند.
- با طرح فروع مختلف، دامنه تأثیر را گسترش می‌دهند و صرفاً آن را منحصر به تأثیر آنی و شخص مخاطب نمی‌دانند؛ بلکه تأثیر در آینده، تأثیر در دیگران، روشن شدن حقایق، رفع اتهام سازشکاری از علما و ... را از موارد تأثیر می‌شمرند.
- در موارد زیان و ضرر فقط به زیان‌های شخص آمر و ناهی توجه نمی‌کنند؛ بلکه زیان‌های ترک آن بر اسلام و مسلمانان را مورد عنایت قرار می‌دهند و در موارد مهم، مانند حفظ اسلام و احکام اسلامی، تحمل ضرر تا جان دادن را جایز، بلکه واجب می‌دانند.
- ایشان در فروع به وظایف علما و بزرگان در مقابله با بدعت‌ها، تأیید ستمگران، هتک دین و علما و ... توجه می‌کنند.
- امام خمینی (ره) بر عدم جواز و همکاری با ستمگران (جز در موارد خاص) فتوا می‌دهند و هرگونه رابطه با بیگانگان را موجب سلطه غیرمسلمانان بر مسلمانان در امور فرهنگی و سیاسی و اقتصادی بشود، حرام می‌دانند و نفی می‌کنند.
- امام خمینی (ره) با اینکه اذن فقیه را در مورد ضرب و جرح و قتل واجب می‌دانند، ولی آن را در موارد مهم و فوری ساقط می‌کنند.
- ایشان در مبحث امر به معروف و نهی از منکر، به پذیرفتن مسئولیت‌های سیاسی از حاکمان ستمگر، ولایت فقها در زمان غیبت، تولی امور قضا و حدود و دیات در حکومت‌های طاغوتی و عدم جواز رجوع به حاکمان و قاضیان جور، اشاره دارند.
- امام، تقیه را در موارد مهم حرام می‌شمرند. (امر به معروف، ۱۳۸۸: «ی»)



### ۵-۱. شرایط و مراتب فقهی امر به معروف و نهی از منکر

شرایط و مراتب فقهی امر به معروف و نهی از منکر رساله توضیح المسائل امام خمینی (ره) آمده است. برای مثال، در مسئله شماره ۲۷۹۱ می‌فرماید: «چند چیز شرط است در واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر.

اول: آنکه کسی که می‌خواهد امر و نهی کند، بداند که آنچه شخص مکلف به‌جا نمی‌آورد، واجب است که به‌جا آورد و آنچه به‌جا می‌آورد باید ترک کند...  
دوم: آنکه احتمال بدهد، امر و نهی او تأثیر می‌کند. پس اگر بداند اثر نمی‌کند، واجب نیست.

سوم: آنکه بداند شخص معصیت‌کار، بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند، واجب نیست.  
چهارم: آنکه در امر و نهی مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر و نهی کند، ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد، واجب نیست.»

همچنین در مسئله شماره ۲۸۰۴ می‌فرماید: «برای امر به معروف و نهی از منکر، مراتبی است و جایز نیست یا احتمال حاصل شدن مقصود از مرتبه پایین، به مراتب دیگر عمل شود.»

در مسائل شماره ۲۸۰۴ تا ۲۸۲۵ مراتبی از انجام امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است که به اختصار برخی از مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱. اظهار کراهت از شخص معصیت‌کار: مانند روی برگرداندن و چهره در هم کشیدن. البته همین مرتبه نیز باید با ملاحظه درجات انجام شود و لازم است با احتمال تأثیر درجه خفیف‌تر، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر عمل نکند، خصوصاً اگر طرف، شخصی است که این نحو عمل موجب هتک شخصیت او می‌شود.

۲. امر و نهی زبانی: این مرتبه نیز باید با ملاحظه درجات انجام شود. ابتدا با موعظه و نصیحت، اگر تأثیر نکرد، امر و نهی الزامی و اگر آن هم تأثیر نکرد، تشدید در گفتار، بدون آنکه مرتکب دروغ و فحش و اهانت شود.

۳. توسل به زور و جبر: بدون آنکه از مقدار لازم تجاوز کند و بهتر است که در این امر و نظیر آن، اجازه از مجتهد جامع‌الشرایط گرفته شود. امام خمینی (ره) همواره

عموم مردم را به امر به معروف و نهی از منکر دیگران، حتی رهبران و بزرگان فرامی‌خواندند. (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۶۷)

## ۲-۵. حفظ نظام از اهم واجبات و معروف‌ها و تضعیف آن از اهم منکرات

از منظر امام خمینی(ره)، حفظ نظام از اهم واجبات و معروف‌ها و تضعیف آن از اهم منکرات می‌باشد. ایشان به طور مکرر می‌فرمودند: «ما همه مکلفیم که این کیان اسلام را در ایران حفظ کنیم.» (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۳، ۴۱۴) ایشان با هشدار به برخورد شدید به تضعیف‌کنندگان نظام اسلامی، (همان، ۱۲۸) تضعیف جمهوری اسلامی را به معنای تضعیف اسلام می‌دانستند. (همان، ۴۶۳) از سوی دیگر، ایشان با تأکید بر ضرورت حفظ استقلال نظام اسلامی و مقابله با سلطه بیگانگان بر کلیه کشورهای اسلامی، سلطه اجانب و به خطر افتادن مصالح مسلمین را به عنوان بزرگ‌ترین منکر ذکر کرده و ضرورت نهی این منکر و وجوب آن و دعوت به وحدت را یادآور شده‌اند:

بزرگ‌ترین منکر، غلبه اجانب برماست. این منکر را باید نهی کنید. حکومت‌ها را نهی کنید از مخالفتی که با هم دارند و با ملت دارند، و با دشمنان اسلام - که خدا فرموده مراوده نکنیم - محبت می‌کنند. الآن منکری بالاتر از این نیست که مصالح مسلمین را به خطر انداخته است. این وظیفه همه شماست که می‌خواهید برای خدا کار کنید. همه ما باید این دشمنی را نهی کنیم، و وحدت اسلامی را شعارمان کنیم. با وحدت، و بودن زیر پرچم «لا اله الا الله» پیروز می‌شویم... (همان، ۷، ۱۸۶)

## ۳-۵. قیام حسینی عالی‌ترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر

پیش‌تر گفته شد که امام خمینی(ره) معتقد است بر همه امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ یعنی لازم است کاری کند که امر به معروف و نهی از منکر او اثرگذار باشد و در بعضی از موارد ضرر داشتن امر به معروف و نهی از منکر برای جان و مال آمر و ناهی، تکلیف را ساقط نمی‌کند و نباید تقیه کند؛ چنانکه امام حسین(علیه السلام) چنین کرد (حیدری، ۱۳۸۱: ۳۳-۳۵) چنین تفسیری از قیام امام(علیه السلام)، علاوه بر تأمین انگیزه کنش انقلابی امام راحل علیه رژیم پهلوی، در عبارات معظم له هم صراحت دارد:

تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده‌اند و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چه بزرگ باشد، بالاترین فرد که

ارزشش بیشتر از هر چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامعه معارضه کرد، این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد تا جامعه اصلاح بشود. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۱۵، ۵۹)

امام خمینی(ره) در مورد رسالت ملت در مقام عاشورا می‌فرماید:

کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا دستور آن است که این برنامه سرلوحه زندگی است در هر روز و در هر سرزمین باشد. این دستور آموزنده تکلیفی است و مزده‌ای؛ تکلیف از آن جهت که مستضعفان اگر چه با عده‌ای قلیل علیه مستکبران، گرچه با ساز و برگ مجهز و قدرت شیطانی عظیم مأمورند چونان سرور شهیدان قیام کنند و مزده که شهیدان ما را در شمار شهیدان کربلا قرار داده است. (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶: ۹، ۵۷) تکلیف ماها را حضرت سیدالشهدا معلوم کرده است: در میان جنگ از قلت عدد ترسید. (همان، ۱۷، ۵۹) قیام ایشان با تعداد کم به خاطر آن بود که عذر را از ما ساقط کند. (همان، ۴۲) همه روز باید ملت این معنا را داشته باشد که امروز عاشوراست و ما باید مقابل ظلم بایستیم و همین جا هم کربلاست و باید نقش کربلا را پیاده کنیم. انحصار به یک زمین ندارد، انحصار به یک عده و افراد نمی‌شود، همه زمین‌ها باید این نقش را ایفا کنند و همه روزها. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۴، ۲۰۲)

#### ۴-۵. ضرورت ایجاد سازمان مستقل و فرادولتی امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی(ره) نیز با اقتدا به سیره نبوی و علوی، به فریضة امر به معروف و نهی از منکر اهمیت ویژه‌ای می‌داد و بر موضوع ضرورت نظارت در کلیه ابعاد آن، و مسئولیت‌پذیری همگانی به شدت پای می‌فشرد و از همان ابتدا به امر نظارت بر دولتمردان عنایت خاصی داشت و در فکر تشکیل سازمان مستقلی برای این منظور بودند؛ همچنانکه در تاریخ دهم اسفند ماه ۱۳۵۷، یعنی بیست روز پس از پیروزی انقلاب، در یک سخنرانی فرمودند:

ما مبارزه با فساد را با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون وابستگی به دولت که تأسیس خواهد شد ان شاءالله مبارزه با فساد می‌کنیم. فحشا را قطع می‌کنیم، مطبوعات را اصلاح می‌کنیم، رادیو را اصلاح می‌کنیم... (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۶، ۲۷۴)

همچنین طی حکمی به شورای انقلاب نوشتند:

شورای انقلاب اسلامی به موجب این مرقوم مأموریت دارد که اداره‌ای به اسم امر به معروف و نهی از منکر در مرکز تأسیس نماید و شعبه‌های آن در تمام کشور گسترش پیدا کند و این اداره مستقل و در کنار دولت انقلاب اسلامی است و ناظر بر اعمال دولت و ادارات دولتی و تمام اقشار مختلف است. دولت انقلاب اسلامی مأمور است که اوامر صادره از این اداره را اجرا نماید و این اداره مأمور است که در سراسر کشور از منکرات به هر صورت که باشد جلوگیری نماید و حدود شرعی را تحت نظر حاکم شرعی یا منصوب از قبل او اجرا نماید و احدی از اعضای دولت و قوای انتظامی حق مزاحمت به متصدیان این اداره را ندارد و در اجرای حکم و حدود الهی احدی مستثنی نیست، حتی اگر خدای نخواست رهبر انقلاب یا رئیس دولت مرتکب چیزی شد که موجب حد شرعی است، باید در مورد او اجرا شود. (امام خمینی(ره)، ۱۳۸۶: ۹، ۲۱۳)

با اطلاع از صدور این حکم افرادی از شورای انقلاب و دولت موقت با ارائه دلایلی مانع اجرای آن شدند.<sup>۱</sup> هدف رهبر انقلاب از تشکیل دایره امر به معروف و نهی از منکر، بیش از آنکه امر و نهی عموم مردم در مسائل عادی باشد، امر و نهی دولتمردان و جلوگیری از فساد و انحراف آنان بود.

۱. نظر مرحوم سیداحمد خمینی در این باره مؤید این ادعاست؛ ایشان در سال ۱۳۷۲ ش. توضیحاتی را پیرامون حکم امام (ره) مبنی بر تشکیل اداره «امر به معروف و نهی از منکر» به شورای انقلاب ذکر کرده‌اند که در صحیفه امام، در ذیل متن حکم مزبور، به صورت پاورقی، درج شده که بدین شرح است: «این حکم چندی بعد از پیروزی انقلاب از طرف امام خمینی صادر شد و به محض اینکه شایع شد که امام چنین حکمی صادر کرده‌اند، از طرف شورای انقلاب و دولت موقت آمدند و به هر وسیله‌ای که بود جلوی آن را گرفتند، به دو علت: الف) هنوز تشکیلاتی برای به اجرا در آوردن آن نیست. ب) هرج و مرج می‌شود و هرکس، هر فردی را به محکمه می‌برد و یا روحانیون شهرها که وارد هم نیستند، دخالت می‌کنند... امام گرچه به هیچ وجه قبول نداشتند، ولی چون عده‌ای گفتند، قبول کردند. بعدها معلوم شد که اگر این حکم به اجرا گذاشته می‌شد با توجه به جو انقلابی می‌توانستیم جلوی خیلی از کارهای خلاف را بگیریم. و به عقیده من دولت موقت از اینکه به محاکم کشیده شوند، هراس داشت». (امام خمینی، ۹، ۲۱۳) (پاورقی شماره ۱، حکم تشکیل اداره «امر به معروف و نهی از منکر» به شورای انقلاب)

متأسفانه اهمیت این فریضه آنگونه که باید، احساس نشد. علی‌رغم تصویب اصلی در قانون اساسی مبنی بر آنکه «امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» و واگذاری شرایط، حدود و کیفیت آن به قانون، هنوز پس از گذشت سی و دو سال از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، این اصل جدی گرفته نشده و به اجرا درنیامده است.

به نظر می‌رسد که اجرای این اصل در مراتب و مراحل گوناگون آن، در ابتدا به تئوری پردازی و فعالیت‌های نرم‌افزاری<sup>۱</sup> و سپس به همکاری همه نهادها نیاز دارد. مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان نمایندگان مردم در تدوین قانون مربوطه وظیفه مضاعف دارد و می‌باید اقدامات نوپای خود را در این زمینه به سامان رساند.<sup>۲</sup> گرچه برخی از نهادهای دولتی و غیر دولتی بخش‌هایی از مراتب امر به معروف و نهی از

۱. شایان ذکر است که نگارنده در اثری که به زودی منتشر خواهد شد، به امکان سنجی و بررسی چگونگی تحقق پیشنهاد امام راحل در ایجاد سازمانی فرادولتی و سراسری جهت انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر پرداخته است. (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱)

۲. البته مجلس در این زمینه و در دو سال گذشته فعالیت‌هایی را انجام داده است؛ از جمله «طرح یک فوریتی امر به معروف و نهی از منکر» با اکثریت آرا در خرداد ۱۳۸۹، در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. این طرح که با ۱۰۳ امضا ارائه شده، دارای ۲۸ ماده است و طراحان آن، شرایط، حدود و کیفیت فریضه امر به معروف و نهی از منکر را مبتنی بر اصل هشتم قانون اساسی شامل تعاریف و الزامات آورده‌اند. نمایندگان و طراحان این طرح اعلام کرده‌اند از آنجا که جهت کمال و تعالی انسان‌ها در رشد و بالندگی و افزایش کارآمدی نظام ضرورت انجام فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر غیر قابل انکار بوده و از طرفی اصل مترقی هشتم قانون اساسی در این زمینه، فرایض، حدود و کیفیت آن را منوط به تصویب قانون کرده است طرح مذکور تقدیم مجلس می‌شود.

بنا به ماده ۲۴ این طرح: به منظور سیاستگذاری در زمینه فریضه امر به معروف و نهی از منکر و گسترش فرهنگ آن در جامعه و ساماندهی امور مربوط به این فریضه، نظارت بر کلیه فعالیت‌های دولتی، غیردولتی و مردمی و هماهنگی بین دستگاه‌ها، شورایی به نام «شورای سیاستگذاری امر به معروف و نهی از منکر» تشکیل می‌گردد. (برای اطلاع بیشتر رک: تصویب فوریت طرح، ۱۳۸۹)

منکر را بر عهده دارند، اما برچیده شدن فساد و انحراف از جامعه اسلامی در گرو عملیاتی شدن دقیق و همه‌جانبه این فریضه الهی است. افزایش فساد اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی در سطوح مختلف آن معلول بی‌اعتنایی به امر حیاتی «نظارت» است ابعادی از نظارت بر دولتمردان نیز که احیاناً مغفول مانده، با اجرای این اصل، جامعه عمل خواهد پوشید.

### نتیجه:

در این نوشتار تلاش شد با ذکر مستندات لازم، ثابت گردد که در سیره نظری و عملی امام خمینی(ره)، نظارت عمومی و مسئولیت همگانی از تکالیف دینی و وظایف عامه مردم و حقوق عمومی آنها به شمار می‌رود و این مسئولیت، ارتباط و تعامل تنگاتنگی با فریضه امر به معروف و نهی از منکر دارد و از ظرفیت‌های بزرگ و گسترده نظام اسلامی در اصلاح سیاسی و اجتماعی در حوزه‌های فردی و اجتماعی است و جامعه و نظام اسلامی می‌تواند از طریق تحقق این سازوکارها و فریضه مهم، بالاترین حد اصلاح اجتماعی سیاسی را در سطح جامعه و کارایی نظام سیاسی خود محقق سازد و تحقق امر به معروف و نهی از منکر و گسترش مسئولیت‌پذیری و دایره نظارت عمومی، دارای نقشی اساسی در تحقق شریعت و پیشبرد جامعه اسلامی و افزایش کارایی الگوی دین‌سالاری مردمی خواهد داشت.

جایگاه نظارت در الگوی رهبری و مدیریت امام خمینی(ره) ارتباط کاملی با اعتقاد ایشان به وظیفه نظارت و ارشاد روحانیت و ولی فقیه در قبال مردم و جامعه اسلامی دارد و ایشان حتی حکومت تحت زعامت ولی فقیه و ضرورت حضور روحانیون را در صحنه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و... را از این زاویه می‌نگریستند.

الگوی نظارت و کنترل امام(ره) براساس سیره عملی نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و علوی عَلَيْهِ السَّلَام، با خودکنترلی یا نظارت درونی به عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می‌شود؛ اما به آن بسنده نمی‌شود و در کنار عامل خودکنترلی، نظارت همگانی همراه با ارشاد را نیز لازم می‌شمارد و در عرصه نظارت بیرونی، مصایق و سازوکارهای

متعدد دیگری را هم توصیه می‌نماید. امام (ره) با ضروری شمردن نظارت همگانی مردم بر کلیه امور و از جمله بر عملکرد خود و دولتمردان و نظام سیاسی، بر اطلاع‌رسانی و پیگیری نتایج نظارت‌های دقیق مردمی حتی در حوزه نهادها و سازمان‌ها و دیوان‌سالاری دولتی پای فشرده و عواقب فقدان نظارت همگانی را موجب تباهی و نابودی نظام مزبور می‌داند.

ایشان در دوره حیات سیاسی خود و به‌ویژه در دوره ده ساله رهبری پس از انقلاب اسلامی، همواره به دنبال تفویض بیش از پیش امور مختلف به مردم و مشارکت‌بخشی افزون‌تر به آنان بودند و همواره بر این توصیه مهم پای می‌فشردند که دولت به جای دخالت مستقیم در همه امور و تصدی‌گری همیشگی، نقش نظارت را بر عهده گرفته و مانع حضور مردم در عرصه‌های مختلف نگردد. از منظر امام (ره)، هم مردم باید بر دولت نظارت نمایند و هم دولت می‌باید در چارچوب شرع و مصالح نظام اسلامی بر فعالیت‌های مردم نظارت کند. ایشان بر این باورند که دولت فقط باید در اموری تصدی‌گری نماید که انجام آن برای مردم ناممکن است؛ اما در سایر امور تجاری، کشاورزی و صنعتی مردم باید توسط دولت آزاد گذارده شوند که تحت نظارت قانونی و شرعی نظام سیاسی به فعالیت‌های مولد بپردازند.

در منظومه فکری امام (ره) انتقادگری و انتقادپذیری دارای جایگاه ویژه‌ای بود. انتقاد صحیح و بجا، استفاده از زبان موعظه و نصیحت، پرهیز از انتقام‌جویی و غرض‌ورزی، توطئه‌گری، پرده‌داری، مخاصمه و تفرقه، رعایت حیثیت نظام اسلامی و عدم تضعیف آن در انتقادات از سفارشات مؤکد معمار جمهوری اسلامی به کلیه آحاد مردم، مسئولین و رسانه‌هاست.

به حق باید امام خمینی (ره) را احیاگر این دو واجب الهی در سده معاصر دانست که در عمل و قول به احیای آن همت گماشتند. امام با نگرش وسیعی که به این موضوع داشتند و آن را فراتر از چند پند و تذکر خصوصی و در موارد محدود و جزئی می‌دانستند و در همین راستا و از منظر ایشان، سرنگون نمودن نظام پهلوی و تشکیل حکومت اسلامی توسط ایشان به طور کلی در قالب عمل به تکلیف امر به معروف و

نهی از منکر قرار می‌گیرد؛ زیرا امر تأسیس حکومت توسط ولی فقیه از مصادیق نهی از منکر است، و غضب حکومت الهی توسط غیر فقیه، نوعی فعل منکر است و بدین ترتیب، نظریه ولایت مطلقه فقیه و طرح حکومت اسلامی در حیطه امر به معروف و نهی از منکر قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از نقطه نظرات امام (ره) در موضوع امر به معروف و نهی از منکر این است که قدرت، در مسأله تشکیل حکومت و برخورد با حکومت غاصب نامشروع، شرط واجب است نه شرط وجوب؛ یعنی مانند قدرت و استطاعت در مسأله حج نیست که اگر فرد قادر و مستطیع نباشد حج و تکلیف او ساقط گردد. بنابراین تحصیل قدرت، به اصطلاح فقهی، وظیفه انسان برای انجام فرضیه حج نمی‌باشد. اما در براندازی حکومت نامشروع توسط ولی فقیه، قدرت و تحصیل آن برای چنین اقدامی واجب است؛ یعنی از دید امام (ره)، فقیه نمی‌تواند بنشیند تا قدرت برایش فراهم شود، بلکه خودش موظف است که مقدمات کسب امکانات ستیز با قدرت حاکم را فراهم کند. ایشان از آغاز نهضت اسلامی در سال ۱۳۴۱ ش همواره بر این طریق حرکت کردند. تحصیل قدرت توسط امام (ره)، از راه بیدارسازی مردم و آماده‌سازی افکار و تربیت و جذب نیرو بوده است. بدین ترتیب، با تلاش بی‌وقفه، به تدریج قدرت لازم برای سرنگونی نظام پهلوی و تأسیس حکومت اسلامی بر مبنای نظریه ولایت مطلقه فقیه آماده گردید. حکومتی که از دیدگاه امام راحل، حفظ آن از مهم‌ترین واجبات و معروف‌ها و تضعیف آن از اهم منکرات می‌باشد.

از منظر امام خمینی (ره) در بعضی از موارد ضرر داشتن امر به معروف و نهی از منکر برای جان و مال آمر و ناهی، تکلیف را ساقط نمی‌کند و نباید تقیه کند؛ چنانکه امام حسین علیه السلام چنین کرد. به همین دلیل، ایشان قیام حسینی را عالی‌ترین مصداق امر به معروف و نهی از منکر می‌دانستند و در نهضت انقلاب اسلامی به این قیام و سیره عملی سالار شهیدان اقتدا نمودند.

امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی، نیز با اقتدا به سیره نبوی و علوی، به فریضه امر به معروف و نهی از منکر اهمیت ویژه‌ای می‌داد و بر موضوع ضرورت



نظارت در کلیه ابعاد آن و مسئولیت‌پذیری همگانی به شدت پای می‌فشرد و از همان ابتدا به امر نظارت بر دولتمردان عنایت خاصی داشت و در فکر تشکیل سازمانی مستقل، فرادولتی، سراسری و قدرتمند برای این منظور بودند. متأسفانه اهمیت این فریضه و ایجاد چنین دایره‌ای آن‌گونه که باید احساس نشد و هنوز پس از گذشت سی و دو سال از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، اصل هشتم قانون اساسی جدی گرفته نشده و به اجرا در نیامده است و جا دارد که هم به این اصل و هم به پیشنهاد امام خمینی (ره) در تأسیس سازمان مزبور توجه جدی و عملی مبذول گردد.

### منابع و مأخذ

۱. آقابابایی، زهره و علی؛ نیک جو، احسان، (۱۳۸۵) نگرشی بر اصول و مبانی مدیریت نظامی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، تهران، نقش بیان و عصر فرزندگان.
۲. اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۹۱) نظارت در نظام اسلامی (با تأکید بر آرای امام خمینی «ره»)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، (زیر چاپ).
۳. امام خمینی (ره)، (۱۳۲۲) کشف‌الاسرار، بی‌جا، نشر ظفر.
۴. امام خمینی (ره)، (۱۳۶۷) رساله توضیح المسائل، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. امام خمینی (ره)، (۱۳۷۲) کلمات قصار (پندها و حکمت‌ها)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. امام خمینی (ره)، (۱۳۸۶) نرم افزار صحیفه امام، نسخه ۳، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۷. امام خمینی (ره)، (بی تا الف) تحریرالوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم.
۸. امام خمینی (ره)، (بی تا ب) تحریرالوسیله، ج ۱، نجف، مطبعة الادب فی النجف الاشرف.
۹. امام خمینی (ره)، (۱۳۶۵) شؤون و اختیارات ولی فقیه، ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب البیع، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۰. امر به معروف و نهی از منکر، از دیدگاه امام خمینی، (۱۳۸۸) تبیان آثار موضوعی (دفتر بیست و یکم)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، عروج، چاپ هفتم.
۱۱. حیدری بهنوئی، عباس، (۱۳۸۱) «رویکردی فقهی به نظریه انقلاب امام خمینی قدس سره»، مجله علوم سیاسی، تابستان، شماره ۱۸.
۱۲. خدمتی، ابوطالب، (۱۳۷۹) «انواع کنترل و نظارت در مدیریت اسلامی»، حوزه و دانشگاه، شماره ۲۳، تابستان.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۳۹) لغتنامه دهخدا، ج ۴۰، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات.
۱۴. رجایی، غلامعلی، (۱۳۷۸ الف) برداشت‌هایی از سیره امام خمینی، جلد ۱، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج.
۱۵. رجایی، غلامعلی، (۱۳۷۸ ب) امام به روایت امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، عروج، چاپ چهارم.
۱۶. رضایی‌زاده، محمود، (۱۳۸۶) بررسی تطبیقی خود مدیریتی امام خمینی با مدیران نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۹۷ ق) بحارالانوار، المکتبه الاسلامیه، تهران.